

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۱۶ سپتمبر ۲۰۲۱

فریده نوری

افغانستان

پسوی ختم جنگ های بی پایان

در مسیر کابل

منبع: Le Monde Diplomatique

خبرنگار: سرچ حلیمی (Serge Halimi)

تاریخ: اخبار ماهانه سپتامبر ۲۰۲۱

مترجم: فریده نوری

به ادامه گذشته:

قسمت سوم

طالبان چگونه غرب را شکست دادند

نویسندگان:

Gilles Dorronsoro و Adam Baczko: محققین و افغانستان شناسان

بالاخره طالبان در سربازگیری اولی که به صورت وسیع و اکثریت جذب شدگان پشتون و از ولایت قندهار بودند، موفق گردیدند.

بعداً وسعت سربازگیری را به طرف شمال و غرب نیز گسترش دادند. به این ترتیب از تمام اتباع جامعه، مبارزان را جذب نمودند. به استثنای دره پنجشیر و هزاره جات، که یک منطقه شیعه نشین بوده و در مرکز افغانستان موقعیت دارد.

در سال ۲۰۱۶ در بین ۱۲ عضو شورای عالی شان یک تاجک، یک ازبک و یک ترکمن را پذیرفتند، با وجود توازن به نفع پشتون ها. زیرا پشتون ها اکثریت نفوس را تشکیل می دهند. (چهل فیصد).

طالبان هر نوع صحبت ها و گفتار قومیت را رد می نمودند، برعکس احزابی که در کابل هر چه بیشتر با این قاعده عمل می کردند.

فلهذا طالبان خود را قهرمان ملیت گرایی و وطن پرستی مطرح نمودند. سیاست به کار بردن تفرقه اندازی در جامعه ای که مخصوصاً قوای غربی از این وسیله استفاده می کرد، بالاخره یک عکس العمل به نفع طالبان را خلق نمود.

در قندوز اولاً اردوی آلمان و بعداً اردوی امریکا خواستند ملیشه ها را نظر به قومیت ها انتخاب نمایند، در نتیجه ساحات زیادتر را از دست دادند.

ستراتیژی شورشیان یکی از پایه های ناکامی دولت مرکزی بود. طالبان در دهات و قصبات مسکن گزین شدند و یک دولت سایه یا شبخ را که شامل والی ها، ولسوال ها، قاضی ها، مسؤلین تعلیم و تربیه را بوجود آوردند و هم با تشکیلات غیر دولتی ارتباطات برقرار نمودند، عیناً مانند دوره امارت شان بین سال های (۱۹۹۶ - ۲۰۰۱) که در برقراری نظم و ثبات شهرت داشتند.

از سال ۲۰۰۵ به این سو در تمام جاه های که مسکن گزین شده بودند، قاضی ها را مقرر نمودند، در حقیقت در تمام ولسوالی ها حضور داشتند.

از نقطه نظر تجهیزات، محاکم شان بسیار مختصر، قاضی ها بدون لباس مخصوص و با لباس های عادی، در قریه ها در داخل مساجد، در خانه های شخصی و یا در زیر سایه درخت کرسی قضاوت شان را قرار میدادند. «محاکم طالب ها به صورت بسیار ساده وظیفه اجرا می کنند، قرار شهادت یک نفر از بین خود شان، طالب قاضی نشسته در مقابلش یک پیاله چای سبز که در حالت سرد شدن است دیده می شود، خودش راساً شکایت را می شنود، بعداً یک عضو دیگر طالب را خواسته و وی را می فرستد که برود همان اشخاصی را که بر علیه شان شکایت شده، بیاورد». فردای آن از شاهدان سوال می کند، بعداً تمام اسناد و مدارک طرف دعوا کننده را بازرسی کرده و حکم و قضاوت خود را صادر می کند. اکثراً در ظرف چند روز و در موضوعات بسیار حساس چند ماه را در بر می گیرد.

اکثراً دعوا بالای زمین، موضوعات مربوط به ازدواج، و دزدی می باشد، همچنان موضوعات وخیم از قبیل قتل و زنا را نیز بررسی می نمایند که این جرم ها با مجازات بسیار شدید همراه می باشد. (اعدام، قطع نمودن اعضاء، و سنگسار کردن).

این سیستم قضایی با موجودیت سادگی ظاهری یک سیستم قضایی مغلق و پیچیده را در خود پنهان نموده است. به دوام محاکم قبلی امارت اسلامی که در سال ۲۰۰۱ ساقط شد، این قبل الذکر نیز دارای سه مرحله قضایی می باشد.

قاضی ها در مدارس تعلیم دیده اند، و در اخیر از نزد شان یک امتحان گرفته می شود، و قاضی باید شناخت کامل در مورد محاکم اضطراری اسلامی داشته باشد. و عموماً قاضی ها در خارج از ولایت اصلی شان مقرر می شوند. و هم در مقرری ها از یک سیستم دورانی استفاده می کنند و نمی گزارند که قاضی در یک جا برای مدت طولانی کار نماید. این سیستم دورانی به هدف تضمین از بیطرف ماندن قاضی می باشد.

تجسم قانون در مقابل یک سیستم آغشته با فساد:

بی طرف بودن قاضی در محیط خارج از شهر ها به صورت عمومی سبب محبوبیت وی می گردد: «اگر من پولدار می بودم به محاکم دولتی مراجعه می کردم: کفایت می کند که پول بدهی قضیه به نفع تو تمام می شود. اما وقتی که غریب باشیم، یگانه راه حل طالبان هستند»، گفته های یک فرد عادی در ولایت لهوگر.

در مقابل مداخله خارجی ها که سبب تشکیل و ساختن محاکم برای دولت که هر روز فساد از روز پیشتر زیادتر بیداد می کند، در مقابل این سیستم عدلی دولت غرق در فساد، طالبان توانستند که قانون را در مقابل تعداد زیادی افغان ها تجسم دهند. با طنز و طعنه گفته می توانیم که طالبان نسبت به ائتلاف زیادتر می دانند.

اگر به احیای دوباره دولت فکر کنیم، احتمالاً محکومیت بسیار شدید می توانیم علیه بیست سال مداخله صادر نماییم.

ساختن یا به وجود آوردن درگیری های قومی:

عدم ظرفیت نظامیان امریکایی برای بررسی و تحقیق نمودن معلومات استخباراتی که برای شان از طرف افغان ها داده می شد. و این یک طریق بسیار آسان می باشد برای یک تعداد از افغان هائی که می خواستند یک پسر کاکا و یا یک عضو دیگر فامیل که در موضوع میراث برایش مشکلات خلق می کرد و یا با یک درگیری با همسایه بالای زمین و یا یک رقیب سیاسی خود را از بین ببرند. تعداد زیادی اشخاصی که دستگیر شدند و یا کشته شدند با شورشیان هیچ نوع ارتباط و سر و کار نداشتند، و این چیزی بود که رقابت های فردی، فامیلی و یا اجتماعی را تقویت بخشید.

همچنین در سال ۲۰۰۳ در ولایت کنر بعد از یک حمله طالبان علیه یک پایگاه که در دره گنجگل (Ganjgal) موقعیت داشت، برای نظامیان امریکایی یک افشاگری که متوجه یک بزرگ از قبیله شینواری به نام عبدالولی، می رسد. به تاریخ بیست و یک جون به مشوره والی ولایت که با شخص متهم شخصاً شناسایی دارد، متهم را همراه با پسر خود می فرستد به پایگاه امریکایی ها که خود را تسلیم کند. به مجرد رسیدنش به پایگاه امریکایی ها وی را زندانی می کنند.

چندین روز لازم می شود تا والی واقف شود که متهم در اثر شکنجه در هنگام بازپرسی توسط یک قراردادی که توسط CIA استخدام شده است، از بین رفته است.

قرار روایت رسمی، وی در اثر حمله قلبی وفات نمود. نزدیکان شخص که قربانی شده بدون از دست دادن وقت، شخصی را که وی را متهم به آن جرم نموده بود پیدا می نمایند: به نام محمود میران، یک قومندان سالارزی، که دشمن شخصی عبدالولی می باشد. بزرگان شینواری تصمیم گرفتند که با افشا نمودن سالارزی ها ایکه به طالبان نزدیک بودند، برای امریکایی ها، از آن ها انتقام بگیرند.

در سال ۲۰۰۷ رقابت بین مربوطین عبدالولی و محمود میران به یک نزاع بین قومندان های سالارزی و شینواری مبدل گردید، که این خودش سبب بلند رفتن خشونت ها و نا امنی های بزرگ در آن ولایت گردید.

ادامه دارد...

استقلال – خپلواکی: اکثر موضوعات شامل این نوشته که توسط افغانستان شناسان و محققین مشهور در نشریه فرانسوی لو ماند دیپلوماتیک نوشته شده و توسط همکار گرامی و فعال ما ترجمه گردیده است، در گزارشات متعدد زنده یاد "مرجان کمال" تذکر داده شده اند با ذکر شاهدان عینی از منطقه. این گزارشات که تحقیقات وسیع محققین متذکره را تائید میکند، در آرشیف آن خواهر نازنین ما و نیز در کتاب "افغانستان در تلاطم تاریخ" بصورت مفصل و مشروح آمده است. روان آن زنده یاد شاد و یاد شان گرامی باد.